

رهنمای ایراد خطبه برای خطباء

ترجمه رساله
خطب الجمعة و مسؤوليات الخطباء

تهیه: مجلس الدعوة والإرشاد بالمملكة العربية السعودية
ترجمه: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت
ارشاد، حج و اوقاف جمهوری اسلامی افغانستان.

مشخصات کتاب:

نام کتاب: خطب الجمعة و مسؤوليات الخطباء
تهیه: مجلس الدعوة والإرشاد بالمملكة العربية السعودية
مترجم: محمد شریف رباطی درانی
مصحح: پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی.
ناشر: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد،
حج و اوقاف
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: تابستان ۱۳۹۶
تیراژ: (۲۰۰۰)
مطبعه: (شرکت طباعتی و بسته بندی بهیر)
تمام حقوق و امتیازات برای ناشر محفوظ است
ایمل: islamicresearch@mohia.af
آدرس: شهرنو کابل افغانستان



فهرست

موضوع	صفحه
تقریظ جلالتمآب وزیر ارشاد، حج و اوقاف.....	۱
تقریظ پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی.....	۴
پیشگفتار ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی	۷
مقدمه مؤلف	۱۱

مبحث اول

اهداف خطبه	۱۵
مشخصات خطبه ونحوهٔ ارائه آن	۱۸
قواعد وضوابط تهیه ونوشتار خطبه	۲۱
۱- دقت در انتخاب موضوع	۲۱
۲- اهتمام ودقت کامل در تهیه وساختار	۲۲
۳- یگانگی ومرتببط بودن موضوع	۲۳
۴- خطبه باید کوتاه وفشرده باشد	۲۴
۵- رعایت قدرت وتوانایی خطیب	۲۵
۶- رعایت سویه علمی مردم در فهم ودانستن خطبه.....	۲۵
۷- رعایت شرایط زمان ومكان.....	۲۶
۸- نقد باید به اسلوب نیکو.....	۲۸
۹- رعایت تعادل در بین امور متقابل.....	۳۱
الف: رعایت تعادل وتوازن در میان بشارت ونذارت....	۳۱

- ب: رعایت تعادل و توازن در میان مصالح و مفاسد ۳۳
- ج: تعادل موازنه در میان جانب عاطفی و جانب عقلی ... ۳۵
- ۱۰- ثابت نمودن ۳۶
- الف: تثبیت سلامتی نقل نص ۳۶
- ب: تثبیت فهم و وجه استدلال ۳۷
- ج : تثبیت صحت نص حدیث ۳۷
- د : تثبیت احکام شرعی ۳۸
- هـ : تثبیت اخبار ۳۸
- ۱۱- معالجه مشکلات امت مسلمه ۴۰

مبحث دوم

- صفات خطیب ۴۵
- مسئولیت و واجبات خطیب ۴۸
- اشتباهاتی که بعضی خطیبان در آن واقع می شوند..... ۵۰

تقریظ

**جلالتمآب استاد فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد،
حج و اوقاف**

سپاس بی پایان خدای بزرگی را سزااست که پدید آورندهٔ جهان و یار و یاور ستم دیدگان است، فرمان روای بی همتا و دانای توانا که مواهب بی شمار و منبع هدایت را به ما ارزانی نمود. درود بر ناجی بشریت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و درود بر خاندان عزیز و یاران پاک نهادش که همه تاب و توان خویش را در بستر اخلاص بر بنیاد تعمیم فراخوان دعوت فرخندهٔ اسلام، اهداء نمودند.

دربره ای از زمان و در هر قسمتی از زمین که مزیت، تفوق و کمال ماندگار و جاویدی بر مبنای معنویت، همگام با فطرت انسانی پدیدار شده باشد فقط در بستر اسلام بوده و هراستبداد، بیداد، خیانت و جنایتی که پیش آمده باشد، در ورای اسلام و یا در غفلت از آن و یا در عداوت با آن صورت گرفته است، زیرا انسان این اعجوبهٔ خلقت به هر سطحی که

به اسلام انقیاد ورزد، صفات حمیده و انسانی در وجودش انکشاف و تبلور یافته و به هر درجه ای که از تعالیم والا و حوزه تربیتی اسلام دوری گزیند، به همان اندازه در حسیض پستی و اعماق وادیهای انحطاط سقوط می نماید.

بناء قاطبه بشریت دیروز و امروز و در آینده های دور و برای ابد، جهت تشخیص ماهیت انسانی و احساس مسئولیت های خویش بر محور تدارک حیات طیبیه و عافیت سرمدی جز اسلام مسیر دیگری نداشته و ندارد، و از آنجا که دین اسلام دین اتم و اکمل الهی، جهانی، عالم شمول و جامع همه خوبی ها و ارزش هاست، هر انتخابی غیر از آن، ضلالت و فساد مطلق بوده و پیامدش فضیحت، اهانت و عذاب دردناک خواهد بود.

بلی، یگانه منبع فیاض و فروزانی که به یقین و اطمینان می تواند جامعه ما را از ورطه و مهلکه های فرهنگ های وارداتی و آسیب پذیری های ناشی از پالیسی های مادی گرایان زمان برهاند و نسل جوان ما را از دام صیادان مکار، و از جلایش های سرابگون و کاذب و اسارت هوسبازیها و حب شهوات لجام گسیخته بیمه نماید، همانا وجود دعوتگران و مربیان مسلمان و گوش جان سپردن به شرح و تبلیغ احکام و فرامین اسلام و عمل مخلصانه به آن است که از منابر

رهنمای ایراد خطبه برای خطباء

نورانی مساجد و متن خطابه های روح نواز خطباء تقریر و ارائه می شود و آنچه را که مردم مؤمن و دیانت شعارکشور ما نیز علی التمام و بی تردید قبول می نمایند، تنها صدای منبر است.

بدون اغراق تصمیم ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی مبنی بر ترجمه کتاب دست داشته که از حیث رسایی و جامعیت خطبه ها و فراگیری مفهوم آن درپرتو ارشادات اسلامی پیامد های نیک و سازنده ای خواهد داشت یک برنامه بسیار ارزنده و حساس پنداشته می شود.

اینک از پشتکار و احساسات نیکوی رئیس و مسئولین دیپارتمنت های علمی و کارشناسان مسلکی ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی که در ترجمه این رساله مرغوب و سایر فعالیت های مشابه نقش داشته اند تقدیر و ستایش نموده و از خداوند منان برسیبل تضرع، طلب دارم که دورنمای کاری این مجموعه پرتجلی و ارتقای ظرفیت های شان روز افزون باشد. **و ما ذلک علی الله عزیز.**

استاد فیض محمد عثمانی

وزیر ارشاد، حج و اوقاف

کابل - شهر نو

ثور ۱۳۹۶

تقریظ

پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی استاد پوهنځی
شرعیات پوهنتون کابل وخطیب مسجد جامع
حاجی یعقوب

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف
الأنبياء وإمام المرسلين، نبينا و رسولنا محمد وعلى آله
وصحبه ومن دعا بدعوته واقتفى أثره إلى يوم الدين و بعد:

در این شکی نیست که خطبه های جمعه و اعیاد در
پخش و نشر دعوت اسلامی، تعلیم و آموزش مسلمانان،
اصلاح و تربیت سلوک و رفتار افراد جامعه، نقش و تأثیر
مستقیم و به سزایی دارد؛ روی همین علت خداوند متعال در
سوره مبارکه «جمعه» مسلمانان را هنگام بلند شدن صدای
آذان به سعی و شتافتن به سوی خطبه و نماز جمعه امر نموده
و پیامگرای اسلام حاضرین را به سکوت و گوش دادن

رهنمای ایراد خطبه برای خطباء

به خطبه امر و توصیه نموده اند . اما تأثیر خطبه ها زمانی انعکاس پیدا می کند که خطیب تمام قواعد وضوابط ارائه خطبه را در نظر گرفته و خودش نیز با صفات و مشخصات خطیب خوب و موفق، آراسته باشد.

با توجه به اهمیت ضوابط خطبه و نقش مشخصات خطیب خوب در تأثیر و تأثر، وزارت شؤون اسلامی کشور عربستان سعودی رساله مفیدی را تحت عنوان «خطب الجمعة ومسؤوليات الخطباء» پخش و تکثیر نموده و برادر فاضل و خیراندیش ما محترم استاد محمد شریف رباطی رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت جلیله ارشاد، حج و اوقاف رساله مذکور را تحت عنوان « رهنمای ایراد خطبه برای خطباء » به زبان فارسی ترجمه نموده اند تا باشد که خطیبان کشور ما با استفاده از آن، قواعد و مشخصات خطبه را مراعات نموده ، مسئولیت های خویش را جهت تنویر اذهان مسلمانان بهتر انجام داده بتوانند.

اینک بنده که بخش های زیادی از ترجمه رباطی صاحب را مطالعه نمودم متیقن هستم که این راهنما در پهلوی خطبه های جمعه ای که توسط وزارت محترم جلیله ارشاد، حج و

رهنمای ایراد خطبه برای خطباء

اوقاف جمهوری اسلامی افغانستان راه اندازی گردیده است در شکل و محتوای خطبه های نماز جمعه وعیدین تأثیر بسیار خوب داشته و در ارتقای ظرفیت خطبای محترم کشور ما تأثیر بسیار خوب و مثبت دارد.

در پایان از خداوند متعال برای استاد رباطی و همکاران شان اجر و پاداش جزیل و توفیق مزید را تمنا و استدعا دارم.

وصلی الله وسلم علی خیر خلقه نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی

کابل - شهر نو

ثور ۱۳۹۶

پیشگفتار

ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

جمله ثنا و ستایش از هر حامدی بر محمود واحد مر ذات
اقدس الهی، واجب الوجود، المستجمع لجميع صفات الکمال
راست که انسان را از عدم بوجود آورده و از تاریکی‌های جهل
و نادانی به سوی فلاح و رستگاری که همانا علم و دانش،
فرهنگ و ثقافت و معارف اصیل اسلام است فراخواند. و درود
و سلام بر روح پاک و مطهر سرور کائنات، سیدالمرسلین امام
المتقین سیدنا و نبینا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و
علی آله و أصحابه و من دعا بدعوته إلی يوم الدين و بعد:

شناخت و قرائت سالم از انسان، هستی و از خالق آنها تنها
از تعالیم و آموزه‌های اسلام گرفته می‌شود، هدف آفرینش
انسان و سایر مخلوقات و مفهوم و حقیقت زندگی، تنها در
مکتب اسلام جا دارد، زیرا که اسلام دین فرستاده شده از
جانب خدای تواناست و این موجودات مخلوقات اویند، شرح

وبسط این همه مسائل و ابعاد آن از فراز منابر مساجد پخش و نشر می‌شود.

ناگفته پیداست که ائمه و خطبای مساجد در جامعه اسلامی بویژه در جامعه افغانی که لله الحمد مردم این سرزمین مرد خیز مسلمان و متدین و پیرو دین فرخنده و انسان ساز اسلام اند، از جایگاه رفیع و شامخ دینی، علمی، اخلاقی، اجتماعی و ... برخوردار بوده که همانند امام و پیشوا، معلم و مربی، مصلح و خیرخواه، شخصیت با عظمت و با وقار و تأثیرگذار، نقش مهم و اساسی را در ساختار جامعه سالم و مرفه ایفاء می‌کنند، به همین خاطر است که مسئولیت آنان نسبت به سایر اقشار ملت در جامعه بسیار سنگین، دشوار و بزرگ تلقی می‌گردد.

بدین ملحوظ خطیب با در نظر داشت موقف والایی که در میان مردم دارد، - از باب تذکیر - توجه هر چه بیشتر حضرات ایشان را در تعیین موضوع خطبه‌های نماز جمعه، عیدین و سایر مناسبت‌های دینی و ملی به اساس اولویت بندی‌های امور اجتماعی در مطابقت به واقعیت‌های عینی جامعه، نیازمندی‌های مبرم مردم و مقتضیات حال و شرایط

زمان و مکان از همه مهمتر طرزتفکر و شیوه ایراد خطبه حتی المقدور سعی مبذول دارند جلب می‌نماییم، زیرا خطبه صرف سخن گفتن محض نبوده، بلکه انگیزه دادن، تحریک کردن، به هیجان آوردن، برانگیختن، منفعل و متأثر ساختن سامعین و شنوندگان است توأم با خیرخواهی و خیراندیشی، استقامت و پایداری، پارسایی و پرهیزگاری و خلوص نیت، زیرا سخن که از دل بر آید بر دل نشیند.

با توجه به اهمیت موضوع؛ ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف جمهوری اسلامی افغانستان بر علاوه از تدوین کتاب مهم، ارزنده، و جامع تحت عنوان **(کتاب خطبه‌های جمعه)**، رساله هذا (راهنمای ایراد خطبه برای خطباء) را از زبان عربی به زبان‌های ملی کشور - پشتو و فارسی دری - ترجمه نموده و به شما سروران و پیشوایان معنوی ملت در حالی تقدیم می‌دارد که با انتشار این رساله خدمتی دیگر در روند عرضه خدمات علمی محقق شده و انتظار داریم که این اثر گرانشنگ در تاثیرگذاری خطبه‌ها ممد و مفید واقع شود، از خداوند کریم غنامندی و شکوه بهتری برای هم‌چو حرکت‌ها را رجامندیم، و از بارگاه الله متعال طالب ثواب و پاداش می‌باشیم.

امیدوار هستم که حضرات ائمه و خطباء با استفاده از این رساله و کتاب خطبه‌های جمعه در تنویر اذهان و تطهیر افکار عامه از طریق منابر مساجد نقش اساسی و بنیادی خویش را ایفاء نمایند.

محمد شریف رباطی درانی
رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی
کابل - شهرنو
ثور ۱۳۹۶

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيد المرسلين إمام المتقين وقائد المجاهدين سيدنا ونبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن دعا بدعوته إلى يوم الدين.

خطبه، نشانه وعلامه ای از شعایر و ارزشهای دین مقدس اسلام بوده، که نقش سالم و سازنده ای را در تهذیب سلوک و رفتار مردم ایفاء نموده و تأثیر ویژه ای را در عرصه های گوناگون زندگی بجا می گذارد و افزون بر آن خطبه نقش اساسی و بارزی را در خدمت دعوت بسوی الله جل جلاله انجام داده است روی هم رفته پیامبر گرامی اسلام سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم در نشر اسلام و تبلیغ رسالت و نبوت به ایراد خطبه اهتمام می ورزیدند.

خطبای مساجد که از جمله برگزیدگان، پیشوایان، رهبران و راهنمایان مردم تلقی می گردند، نسبت به سایر

اقتشار مردم بیشتر در خیر خواهی دنیا و عقبی برای جامعه سعی مبذول می دارند.

از این رو وزارت شئون اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد (دولت شاهی عربستان سعودی) به هدف پیشرفت امور محوله خویش بخصوص در این راستا حریص بوده و مجلس دعوت و ارشاد پیرامون بررسی این موضوع جلسه ای را تدویر و با درنظر داشت شرایط عصر و زمان، با گذاشتن یک سلسله ضوابط و شرایط جهت اهتمام و ارزش ویژه ای به خطبه و ارتقای ظرفیت خطباء توأم با روش ایراد آن، جهت راهنمایی هرچه بیشتر خطبای محترم امر نشر و توضیح این رساله را صادر نموده و این رساله حاوی دو محور می باشد.

مبحث اول: راجع به خطبه بوده که دربرگیرنده هدف، صفت، طرز و روش ارائه و قواعد تهیه خطبه می باشد.

مبحث دوم: مربوط خطیب بوده که در بر گیرنده مسؤولیت ها، صفات، واجبات و نشاندگی بعضی اشتباهاتی که بعضی خطباء مرتکب آن می شوند، می باشد.

والله الموفق والهادی إلى سواء السبيل

مبحث اول خطبه

این مبحث در برگیرنده مطالب ذیل می باشد:
الف: اهداف خطبه.

ب: مشخصات و نحوه ارائه خطبه.

ج: قواعد و ضوابط تهیه خطبه.

اهداف خطبه

۱- توصیه پیرامون ترس و خوف از خدا، امر به طاعت الله تبارک و تعالی و بازداشتن و منع کردن از معصیت الهی می باشد، چنانکه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم همین گونه توصیه می نمودند.

۲- ترسیخ اصول ایمان و تقویت آن در دلها و تثبیت عقیده سالم و راسخ با تلاوت و ترجمه آیات چندی از کلام الله مجید توأم با ذکر چیزی از احادیث و ارشادات نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم طوری که عادت آن حضرت صلی الله علیه وسلم چنان بوده که اکثر اوقات در خطبه های خویش سورة (ق) را قرائت می نمود.

۳- دعوت و ارشاد بسوی صلاح و شایستگی، اصلاح کمی ها و کاستی ها و تمسک به امور شرعی، اقامه و برپاداشتن حق، تأمین عدالت و تشویق بر رعایت

اتحاد و همبستگی این امت توأم با تحذیر از آنچیزی که باعث تضعیف این امت می گردد، نشر فضیلت ها، ترقیق و نرم سازی دلها بواسطه وعظ و نصیحت مشتمل بر ترهید در دنیا و تذکیر به مرگ و احوال برزخ، احوال بعث بعد الموت (زنده شدن بعد از مرگ)، حشر، صحنه های هولناک روز قیامت، احوال مردم در آن روز و ذکر صفت جنت و دوزخ، امر به معروف و نهی از منکر.

۴- توضیح و تشریح عبادات، احکام و معاملات تشریح و توضیح امور حلال و حرام، تعلیم و آموزش مسائل مهم دین و آگاهی دهی مسلمانان نسبت به حقایق و مفاهیم اصلی دین.

۵- تذکیر و یادآوری هنگام مناسبات مختلف شرعی مانند: روزه ماه مبارک رمضان، حج بیت الله شریف و امثال آنها، توأم با بیان و ذکر فضایل آنها که مردم به آن نیاز دارند و تشویق و ترغیب برغنیمت شمردن مناسبات یاد شده و سعی و تلاش در بجا آوری آنها.

۶- تصحیح مفاهیم و برداشت های غلط از اسلام و رد شبهاتی که از طرف دشمنان اسلام علیه این دین

فرخنده و انسان ساز به منظور باز داشتن مردم از گرویدن به اسلام به کار برده می شود و این کار باید به اسلوب بلیغ، برهان قاطع و استدلال حکیمانه و در عین وقت بعید از اقوال ضعیف و بی بنیاد و بدنام کننده اسلام صورت پذیرد.

۷- تشویق و ترغیب مردم بر التزام سنت نبی مکرم اسلام علیه افضل الصلاة والسلام و پیروی از اهل آن توأم با تحذیر از ارتکاب و گرویدن به بدعات، با ذکر عواقب ناگوار این پدیده منفور.

۸- بیان موضع گیری و اقوال اهل علم و دانش، آن اهل علم و دانشی که مردم در مورد امامت و فقاہت آنان در دین اتفاق نظر دارند، در قضایا و حوادثی که همزمان و ناگهانی بوقوع پیوسته و مصایب و شدایدی که بالای مردم نازل می گردد و در صورتی که مسئله ای از همچو مسایل برای شان مشکل تمام شود، ایشان برای همچو سامعین و شنندگان تذکیر دهند که رجوع و رفتن نزد علمای دین برایشان واجب و لازمی پنداشته می شود.

۹- تحذیر و باز داشتن مردم از افتیدن در دام فتنه ها،

و آفاتی که دامنگیر اسلام و جامعه اسلامی می گردد، توأم با ذکر و یادآوری عواقب خطرناک آن، اتخاذ تدابیر لازم و ارائه وسایل شرعی به منظور رهایی و نجات از این آفات و فتنه ها.

۱۰- تثبیت و تحکیم مفهوم و معنای اخوت و برادری، وحدت و همبستگی، و هماهنگی امت اسلامی، تشویق و ترغیب مردم برای تحقق اسباب و مقتضیات برادری دینی و ایمانی، کناره گیری و اجتناب از همه اموری که باعث فتنه های گروهی، نژادی و قبیله‌ای می گردد .

مشخصات خطبه و نحوه ارائه آن

ممکن انسان از طریق فهم و درک خود به اهمیت و ارزش تحریر اسلوب خطبه نماز جمعه و اهمیت ایراد آن پی برد، زیرا این موعظه و نصیحت هفته وار است که در یکی از مساجد ایراد می گردد .

چون خطبه نماز جمعه فريضة الهی بوده که مسلمانان بخاطر استماع و شنیدن آن گردهم می آیند، و خداوند متعال استماع و شنیدن آن را بالای مسلمانان واجب گردانیده است ، طوریکه باید در هنگام ایراد خطبه نمازگزاران صامت و خاموش بوده و به آن دقیقاً گوش فرا دهند.

پس اگر کسی در هنگام ایراد خطبه نماز جمعه برای شخص همجوار خود بگوید خاموش باش و یا کسی سنگ

رهنمای ایراد خطبه برای خطباء

ریزه ای را از روی زمین برداشته و بگیرد، به تحقیق مرتکب لغو و عبث شده است، پس همچو انسان از فیض و برکت حقیقی نماز جمعه برخوردار نخواهد شد .

روش پیامبر گرامی اسلام سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و یاران راستین وی در ارائه و اجرای خطبه برای ما کافی است و نبی مکرم اسلام و یارانش رضوان الله تعالی علیهم اجمعین چنان بودند که قبل از ادای نماز جمعه دو خطبه ایراد می فرمودند.

بناء در هنگام تتبع و بررسی اسلوب و منهج پیامبر گرامی اسلام علیه افضل الصلاة والسلام در ایراد خطبه ها و موعظه هایش درمی یابیم که ایشان صلی الله علیه وسلم موارد ذیل را رعایت می کردند:

۱- قبل از ایراد خطبه برای نمازگزاران، (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته) را تقدیم می نمودند.

۲- خطبه را با بیان حمد و ثنا و صفت خداوند قدوس و لایزال و خواندن شهادتین (أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا رسول الله) آغاز می نمودند.

۳- خواندن درود بر نبی مکرم اسلام سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم.

۴- توصیه مردم به تقوی و خدا پرستی، و تذکیر و یادآوری از عنوان موضوع مورد بحث در خطبه.

۵- تلاوت آیات چند از کلام الله مجید در خطبه، البته مرتبط به عنوان موضوع خطبه.

۶- دعا برای تمام مسلمانان اعم از مرد و زن بویژه اولیاء امورشان ، چنانچه این اسلوب ، اسلوب سلف صالح بوده، توأم با رعایت تمام مردم در دعا بدون تخصیص و تذکر نامها، خصوصاً در صورتی که این عملکرد باعث ایجاد فتنه و فساد در میان مردم می گردید.

قواعد و ضوابط تهیه و نوشتار خطبه

۱- دقت در انتخاب موضوع :

یقیناً موضوع خطبه باید به اساس اولویت ها و نیازمندی های جامعه به گونه ای انتخاب گردد که شنوندگان را منفعل و متأثر ساخته و در انتخاب موضوع حتی المقدور سعی شود تا موضوع با هدف و مفید انتخاب و با در نظر داشت شرایط محیط و زمان از صمیم قلب و خلوص نیت ایراد گردد، و در خطبه روی مسائل و قضایای اساسی و بنیادی و کلی که در برگیرنده مسائل مرتبط به خطبه بوده باشد، تمرکز صورت گیرد، توأم با حفظ محوریت و هماهنگی موضوع خطبه؛ و خودداری نمودن از تکرار کلمات و جملات بدون نیاز و ضروری با در نظر داشت نوآوری و ابتکارات سالم و سازنده.

۲- اهتمام و دقت کامل در تهیه و ساختار نوشتاری مضمون:

خطبه به چیزهای دلنشین و قابل توجه در حالیکه ارتباط نزدیک به موضوع مطروحه داشته باشد، آغاز گردد، توأم با ایراد شایسته به طریقه و اسلوب نیکو و حسن و مبتکرانه، با رعایت ظروف و احوال مردم، بصورت جرأت‌مندانه و مستدل به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و تذکار قصص و حکایات مناسب و حریص بودن بر وحدت صفوف و همبستگی و القا و نهادینه نمودن الفت و محبت در دل‌های امت مسلمة؛ اجتناب و دوری از هرگونه تفرق و تشتت و فتنه انگیزی در میان مسلمانان و اختتام خطبه به اسلوب و شیوه احسن و دعای خیر و فلاح برای مسلمانان عموماً و برای اولیای امور خصوصاً، صورت گیرد.

تمام امور فوق الذکر از جمله دقیق ترین فن تهیه و نوشتاری خطبه محسوب می گردد، بخاطر اینکه خطیب به درجهٔ اعلی ایراد خطبه خوب برسد، باید امور ذیل را رعایت نماید:

الف: مطالعه و خواندن ترکیز کننده بر موضوعی که آن را انتخاب نموده است.

ب: استدلال و استشهاد به آیات قرآنی و احادیث نبوی شریف بر مسایل و قضایایی که در این خطبه وارد شده است.

ج: مراجعه به اقوال و گفتار اهل علم و دانش از مفسرین، شارحان حدیث، بحث و مطالعه پیرامون موضوع مطروحه، مراجعه به کتاب های علما و فقهای دین و اگر موضوع مربوط فقه بود به کتاب های فقهی و اگر موضوع مربوط آداب و معاشرت بود، مراجعه به کتاب های ادب و فرهنگ و اگر موضوع مربوط مسایل روز و عصر حاضر بود، برای خطیب لازم است که نزد علماء و دانشمندان معاصری که از نگاه علم و دانش مورد اعتماد مردم قرار دارند، مراجعه نماید.

د: ایراد و تقدیم خطبه باید در یک قالب منظم و ترتیب واحد به اساس افکار و جملات و عبارات مسلسل و منظم صورت پذیرفته و از معلومات پراکنده و متشتت جداً اجتناب گردد.

۳- یگانگی و مرتبط بودن موضوع:

از جمله وسیله های مؤثر در تفهیم و تثبیت معلومات و مفاهیم، همانا ترکیز روی مفکوره و موضوع واحد بوده و ایراد

خطبه نیز در اطراف و اجزای مرتبط به آن بچرخد، زیرا تعدد موضوعات و انتقال از یک موضوع به موضوع دیگر بدون در نظر داشت هماهنگی درمیان اجزای آن، ذهن سامع را در حیرت انداخته و تراکم موضوعات غالباً در ذهن سامع باعث نسیان بعضی از موضوعات گردیده و احیاناً در اذهان و افکار سامعین و شنوندگان سوالاتی بدون جواب وارد می گردد، بناً یک موضوع معین باید انتخاب گردد.

۴- خطبه باید کوتاه و فشرده باشد:

زیرا مقصود از خطبه فایده رساندن برای سامعین و تذکیر و یاد دهانی برای آنان بوده و احیاناً طولانی بودن خطبه باعث نسیان بعضی از آن شده و در نتیجه سامعین و شنوندگان ملل و خستگی را احساس می نمایند.

همچنان خطبه نباید چنان مختصر و کوتاه باشد که معنی مقصود را مختل سازد، در این مورد احادیث به کثرت وارد شده است منجمله قول نبی مکرم اسلام علیه افضل الصلاة والسلام است که می فرماید: (إِنْ طَوَّلَ صَلَاةَ الرَّجُلِ وَقَصَرَ خُطْبَتَهُ مِئَّةَ مِنْ فَقْهٍ فَأُطِيلُوا الصَّلَاةَ وَأَقْصَرُوا الْخُطْبَةَ وَإِنْ مِنْ الْبَيَانِ لَسَحَرًا).^۱

۱- روایت امام مسلم، ش (۸۶۹)

یعنی: «یقیناً طویل بودن نماز انسان خطیب و قصیر بودن خطبه اش یکی از علامات، ویژگی های فهم و دانش آن محسوب می گردد، بناء نماز را طویل و خطبه را مختصر نمایید، زیرا بعضی بیان از حیث مؤثریت و تأثیر گذاری از آن مانند سحراست.

۵- رعایت قدرت و توانایی خطیب در مورد ارائه خطبه:

طبعاً علم دارای درجاتی بوده که فوق هر عالم و دانا، عالم تر و داناتری است، هر گاه خطیب به ناتوایی خود پی برد که قادر به انجام همچو کار شده نمی تواند، برایش لازم است که از کتاب های خطبه علمی جید و موثق استفاده نماید.

۶- رعایت سویه علمی مردم و میزان فهم و درک آنها از خطبه:

یقیناً مردم در فهم و ادراک متفاوت اند و خطیب بسیاری از مردم را مورد خطاب خود قرار می دهد، پس بر خطیب لازم است که سویه علمی و توانایی برداشت و ادراک آنان را مد نظر گیرد که آیا چیزی را که می گوید مردم می فهمند

و آنرا اخذ نموده می تواند یا خیر؟ و اجتناب از چیزی هایی که توان فهم و دانستن آن را ندارند، و الاّ تأثیر خطبه اش چنان خواهد بود که برای امی و بی سواد دقایق چند در مورد مسایل مربوطه به قضاء و قدر صحبت کند و یا در مورد سیاست داخل شده و سخن براند.

حضرت علی ابن ابی طالب رضی الله عنه درین راستا فرموده است: (حدثوا الناس بما يعرفون، أتحبون أن يكذب الله ورسوله).^۲

یعنی: «با مردم به اندازه فهم و دانش شان حرف زده و صحبت کنید، آیا دوست دارید که الله (جل جلاله) و فرستاده وی تکذیب شوند.»

۷- رعایت شرایط زمان و مکان:

یقیناً یکی از جمله اموری که خداوند متعال، رعایت آنرا برای مبلغین و دعوتگران اسلامی لازمی می شمارد، رعایت حکمت در امر تبلیغ و دعوتگری است، خداوند متعال می فرماید: {ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة}^۳

۲ - روایت امام بخاری

۳ - قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۲۵

یعنی: (ای پیغمبر!) مردمان را با سخن استوار و به جا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن؛ چرا که (بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است).

رعایت نمودن حال، مقام و وضعیت مخاطبین یکی از جمله حکمت‌ها محسوب می‌گردد، رعایت نمودن ظروف و احوال امت مسلمه و ایراد خطبه مناسب در تطابق برآنچه که بالای ایشان از حوادث روزگار می‌گذرد.

پس در هنگام شدت و سختی‌ها، خطیب باید بر صبر و شکیبایی و توکل بر الله تمرکز نماید، و در وقت فراخی و فراوانی رزق و روزی برای خطیب لازم است که مردم را به شکر گذاری نعمات الهی تشویق و ترغیب نموده و از کفران و ناسپاسی با ذکر و بیان داستان امت‌های گذشته که نعمات الهی را به کفران و ناسپاسی مبدل ساختند بر حذر دارد.

منجمله یکی از امور مهم در این مورد رعایت نمودن ظروف و احوال سامعین و شنوندگان است، کسیکه در

مسجدی خطبه ایراد می فرماید که اکثریت نمازگزان آن استادان پوهنتون است، نسبت به مسجدی که اکثریت نمازگزان آن محصلان اند و آن مسجدی که اکثریت آنان کارگران است، نسبت به مسجدی که مردم چیزفهم هستند، متفاوت بوده، پس ایجاب می کند که خطیب با استفاده از حکمت، موضوعی را انتخاب نماید که مناسب حال و شأن نمازگزاران باشد.

۸- نقد باید به اسلوب نیکو و نصیحت دلسوزانه و جملات زیبا صورت گیرد:

احیاناً از برخی مردم اشتباه و خطایی صورت می گیرد و از برخی دیگر کار نا شایسته و منکری صادر شده و خطیب آن را از نزدیک مشاهده کرده و می بیند، در این وقت خطیب چگونه از حکمت کار بگیرد که نصیحت اش مثمر واقع گردد. بناءً برای خطیب رعایت امور ذیل لازم و ضروری پنداشته می شود:

الف: اخلاص بر الله تبارک و تعالی، و هدفش از نقد علمی و نصیحت اصلاح باشد، چون نیت اصل تمام اعمال را تشکیل می دهد، در این فرصت برای خطیب لازم است

که منهج و روش انبیاء علیهم الصلاة والسلام را قدوة الحسنة و پیشوا قرار دهد، چنانکه قرآن کریم این مشعل فروزان و منبع هدایت عالم بشریت، سخنان حضرت شعیب علیه السلام را که برای قومش ایراد فرموده بوده، حکایت می کند: {إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ} ^۴

یعنی: «من تا آنجا که می توانم جز اصلاح (خویشتن و شما را) نمی خواهم، و توفیق هم (در رسیدن به حق و نیکی و زدودن ناحق و بدی) جز با (یاری و پشتیبانی) خدا (انجام پذیرفتنی) نیست، تنها بر او توکل می کنم و (کار و بارم را بدو واگذار می سازم و با توبه و انابت) فقط به سوی او بر می گردم.»

بر خطیب لازم است که در این مورد جهت اصلاح نیت خود با نفسش مجادله نماید، زیرا در نصیحت عمومی و علنی معمولاً اهداف و اغراض شخصی به انسان عارض می شود، بجز کسانی که خداوند آنها را در سر کوب نمودن نفس شان توفیق بخشیده است.

۴ - قرآن کریم، سوره هود، آیه ۸۸

ب: تأکید بر صحت خبری که برایش مواصلت ورزیده است و ثابت نمودن آن از شخصی که این سخن بروی نسبت داده شده است؛ و عدم سرعت در تهمت زدن بدون تحقیق، تدقیق و تفحص، زیرا قضاوت عجولانه برای خطیب مناسب نبوده و نخواهد بود.

ج: بر خطیب لازم است که از تجریح شخصیت ها، جناح ها و مقامات رسمی دوری جسته توأم با خود داری از افتراء و سنگ اندازی های بدون موجب .

ه: بر خطیب لازم است که در نصیحتش مهربان و مشفق بوده و از استعمال الفاظی که احساسات برانگیز و باعث عناد و سرکشی در باطل می گردد، جداً اجتناب ورزیده و خطیب باید اقتداء به هدایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم بکند، چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم شیوه ای را در پند و نصیحت و توجیهات به کار برده و می فرمود: **(ما بال أقوام)**^۵ یعنی: «چه شده است مردم را.»

و: خطیب باید به حکم آنچه می گوید، عالم و دانا باشد، پس مردم را از انجام اموری که از حرمت و کراهیت آن

متأکد نبوده باشد، منع نکند. و همچنان مردم را به انجام اعمالی که به مشروعیت آن متیقن نباشد، امر نکند.

۹- رعایت تعادل در بین امور متقابل:

الف: رعایت اعتدال در میان بشارت و انذار:

بطور مثال کسیکه جانب انذار و ترس از فساد مردم و ضایع شدن دین را اختیار نمود، باز آینده مردم خراب شده و دشمنان زمام امور را به آسانی بدست گرفته و این عملکرد باعث ایجاد یأس و ناامیدی در نفوس مردم شده، فعالیت و نشاطات در انجام اعمال نافع صدمه می بیند. از اینرو توازن در میان بشارت و نذار لازم پنداشته می شود، الله تبارک و تعالی پیامبران را جهت تعادل و توازن هر دو عمل فرستاده است: {فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ} ^۶

یعنی: «پس خداوند پیغمبران را برانگیزیت تا (مردمان را به بهشت بشارت دهند و از دوزخ بترسانند»

و قال تعالی: {رَسُولًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ} ^۷

۶ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۱۳

۷ - قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۶۵

یعنی: «ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده رسان و (کافران را به عقاب) بیم دهنده باشند»

پس ایشان - انبیاء علیهم الصلاة والسلام - مردم را در مواضع بشارت، مژده و بشارت و در مواضع و جاهای انذار، ترس و تخویف و تحذیر می دادند و در صورت جمع در میان آنان، جمع می کردند. پس ترساندن در هنگام اعراض از دین الله و رجوع کامل به دنیا صورت می گرفت، در این وقت کار گرفتن از شیوه تخویف و ترس بهتر و مناسبتر بوده چنانکه انبیاء علیهم الصلاة والسلام این کار را انجام می دادند و هر گاه قوم خود را می دیدند که از دین الله اعراض می نمودند آنان را می ترساندند.

بشارت و مژده برای پرهیزگاران و متقیان است: قال الله تعالى: {فَإِنَّمَا يُسِرُّنَاهُ بِلِسَانِكَ لَتَبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا} ^۸

یعنی: «ما قرآن را به زبان تو (که عربی است) ساده و آسان فراهم آورده ایم، تا به وسیله آن، پرهیزگاران را (به) رضا و نعمت خدای مهربان) مژده دهی، و مردمان سرسخت

۸ - قرآن کریم، سوره مریم، آیه ۹۷

(دشمن حق و طرفداران باطل) را به آن (از نا خوشنودی و عذاب یزدان) بترسانی»

در این وقت مردم به بشارت، تبشیر و مژده محتاج می شدند، زیرا در وقت ضعف و ترس، بلاء و مصیبت، امید بر دل ها مستولی می گردید، یقیناً نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم در هنگام شدت ضعف و نا توانی؛ و تسلط دشمنان بر مسلمانان اصحاب و یاران راستین خویش را مژده می داند.

پس تعادل و توازن در میان بشارت و نذارت از جمله حکمت ها در دعوت است که الله تبارک و تعالی به آن امر فرموده است کسیکه از سنت سید المرسلین متابعت نماید، لاجرم رعایت احوال مردم و نفوس شان را کاملاً مدنظر داشته باشد.

ب: رعایت توازن در میان مصالح و مفاسد

خطیب به دانستن بر قراری تعادل و توازن در میان مصالح و مفاسد اشد ضرورت دارد، همچنان خطیب به دانستن مراتب مصالح و مفاسد ضرورت دارد تا در کلام خود مصلحتی را مدنظر گیرد که در صورت عدم مدنظر گرفتن این مصلحت، مفاسد به میان می آمد. و از این خاطر است که قیام شریعت بر جلب مصالح و رد مفاسد بنا یافته است.

باب تعارض در میان مصالح و مفاسد و اعمال خوب و بد
بوئژه در این عصر حاضر چنان کلان و بزرگ است که آثار
نبوت کمرنگ شده و به هر اندازه ای که کمرنگ شود به
همان اندازه از این مسائل بیشتر می گردد و علت موجودیت
آن در میان امت مسلمه وجود اسباب و وسایل فتنه و فساد
است. وقتی که در میان نیکی ها و بدی ها اختلاط بوجود آید،
اشتباهات و تلازم به میان می آید، یک تعداد مردم جانب نیکی
هایی را ترجیح داده اگر چه در واقعیت سبب ایجاد بدی های
بزرگ شود و یک تعداد دیگری از مردم جانب بدی هایی را
ترجیح داده اگر چه باعث ترک نیکی های بزرگ در جامعه شود.

اما مردمان معتدل و میانه رو هر دو را یکجا نظاره می
کنند و شریعت تعارض در میان مصالح و مفاسد را با امور ذیل
تداوی و معالجه کرده است:

۱- قبول نمودن اخف ضررین؛ بخاطر سلامتی بالاتر از آن.

۲- از دست دادن مصالح اندک؛ بخاطر بدست آوردن مصالح
بلند تر از آن.

۳- رد نمودن مفاسد؛ بخاطر جلب نمودن مصالح .

۴- در نظر داشتن نتایج و انجام امور .

ج: تعادل موازنه در میان جانب عاطفی و عقلی

تعادل در میان جانب عاطفی و عقلی عبارت است از تحکیم عواطف براساس ضوابط شرعی، مثلاً: برخی از خطباء خطبه خود را به شیوه عاطفی محض ایراد می کنند و اصلاً در مورد اقتناع مردم به آنچه می گویند، توجه نمی کنند. و بعضی از ایشان خطبه خود را به اسلوب عقلی محض ایراد می کنند، که اصلاً به عواطف مردم توجه نداشته، در حالیکه هر دو این شیوه نواقص خود را دارند.

یقیناً بر افروختن عواطف مردم بدون در نظر داشت اقتناع آنان و ارائه دلایل مقنع و عدم استفاده از اسلوب علمی بسا امور منفی ذیل را در بر خواهد داشت:

۱- آنچه از طریق عاطفه می آید بمجرد اینکه حرارت همان عاطفه خاموش گردد، به زودی فراموش می شود.

۲- یقیناً عواطف مردم بدون داشتن علم و دانش سالم بر افروخته می شود و در این وقت لابدی از علم و دانشی است که آنرا مهار نموده و نگذارد که از حد اعتدال تجاوز کند. چنانکه مردم طبق تقاضای طبیعت شان محتاج به تشویق و

ترغیب کننده به انجام عمل اند ، همچنان در برابر نهی نیز ضرورت به کسی دارند که ایشان را از منهی عنه باز دارد.

۱۰- ثابت نمودن:

بسیاری از مردم با داشتن سوئے علمی و ادراک عقلی متفاوت، جهت استماع خطبه حاضر می شوند و هر کدام ایشان غالباً به نقطهٔ مرکزی و محور اصلی خطبه خود را متمرکز می کنند، پس برای خطیب واجب و لازم است که آنچه را که می گوید، به اثبات برساند و مهمترین چیزی که بر خطیب واجب و لازم است اینکه امور ذیل را به اثبات برساند:

الف : تثبیت سلامتی نقل نص:

هرگاه خطیب جهت تقویۀ موضوع مطروحهٔ خویش به آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال و استشهاد می نماید، نباید به حافظهٔ خود اعتماد کرده و آنرا از یاد تلاوت و یا قرائت کند، بلکه باید آنرا اگر آیات قرآن بود، بالفظ نقل و تلاوت کند. و اما اگر از سنت نبوی بود، در صورت امکان با لفظ و یا معنی اش آنرا نقل و قرائت نماید.

ب: تثبیت فهم و وجه استدلال:

احیاناً می شود که نص از جهت نقل صحیح باشد اما از جهت فهم آن، برعکس. می شود انسان قولی را معیوب بداند، درحالیکه آن قول عیب نداشته باشد و یا گاهی نص را دلیل بگیرد، درحالیکه دلیل گرفتن به آن نص درست نبوده باشد، در این هر دو صورت اگر به گفتار و اقوال علما و شارحین احادیث مراجعه کند، بهتر بوده و به اصل حقیقت و درجه صواب نایل می گردد.

اما اعتماد نمودن در مورد نص به اساس ذهن و مجرد حفظ، این گونه عمل درست نبوده، زیرا احياناً انسان را به خطا و بیراهه می کشاند، بلکه قبل از ایراد خطبه یکمرتبه مراجعه نماید.

ج: تثبیت صحت نص حدیث شریف:

در مورد تثبیت صحت نص حدیث شریف ، سخن راندن از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، عین سخن از الله تبارک و تعالی تلقی می گردد و دروغ گفتن بر الله تبارک و تعالی و رسول مقبولش صلی الله علیه وسلم، مانند دروغ گفتن بر دیگران نیست. و ثابت نمودن عبارت است از خواستن اسانید همین حدیث با در نظر داشت رجال سند توأم

با توثیق بر عدالت ایشان و اتصال سند. و بر خطیب واجب و لازم است که بر تثبیت صحت احادیث اقدام کند، اگر راوی و مخرج آن امام بخاری و مسلم و یا یکی از ایشان بود، کفایت می کند؛ و اگر بجز از این دو امامان و مخرجین دیگران بودند، بر خطیب لازم است که به اقوال اهل علم و علمای علم حدیث مراجعه و مذاقه نماید.

د: تثبیت احکام شرعی:

تثبیت احکام شرعی یک موضوع از دیدگاه شریعت لازمی بوده که حلال است یا حرام، واجب است یا مستحب و یا دارای کراهیت است و یا خیر؟ بویژه در بعضی از موسم ها مانند احکام روزه ماه مبارک رمضان و یا احکام حج بیت الله شریف و امثال آنها. بر خطیب مناسب نیست که احکام همچو مسایل را بدون تحقیق و تثبیت بیان بدارد، زیرا بیان نمودن همچو مسایل بدون تحقیق و تثبیت، گفتار جرأت‌مندانه بدون علم بر الله تبارک و تعالی تلقی می گردد و این جایز نیست.

ه: تثبیت اخبار:

در مورد تحقق، بررسی و تثبیت اخبار، پروردگار قدوس و لایزال می فرماید: {یا ایها الذین آمنوا إن جاءکم فاسق

بناء فتیینوا أن تصیبوا قوما بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین^۹

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبر مهمی را به شما رسانید در باره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی - بدون آگاهی (از حال و احوالشان و شناخت ایشان) آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.»

احیاناً خطیب در اثنای خطبه از یک حادثه ای از حوادث سخن می راند پس بر خطیب واجب است که قبل از ایراد آن، خود را از صحت و سقم آن متیقن سازد که آیا این حادثه واقعیت دارد یا خیر؟

اگر بمجرد شنیدن بدون اثبات، آن را نقل و به مردم بگوید، لاجرم مورد عدم اعتماد آنها قرار گرفته در آینده ها مردم نه قولش را قبول و نه به گفتارش عمل می کنند، بلکه همواره در مورد گفتار وی بدیده شک و تردید می نگرند.

اهمیت تثبیت اخبار بشکل عام در هنگام وقوع فتنه و فساد، شر و بدیها، اضطراب و بیقراری ها و تشویش اذهان

۹ - قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۶

چند برابر می گردد، زیرا زمان فتنه و بدیها بستر خوبی برای کثرت دروغ پردازی و افتراء بستن بوده. یقیناً ازدیاد فتنه و بدیها از بزرگترین اسباب تثبیت اسانید در زمان سلف الصالح به حساب آمده و ایشان به آن بسیار اهتمام می ورزیدند.

قال ابن سيرين رحمه الله: (لم يكونوا يسألون عن الإسناد فلما وقعت الفتنة قالوا: سموا لنا رجالكم فينظر إلى أهل السنة فيؤخذ حديثهم وينظر إلى أهل البدع فلا يؤخذ حديثهم).^{۱۰}

یعنی: «ابن سیرین رحمه الله می گوید: مردم در اوایل در مورد اسناد سؤالی نمی کردند، ولی وقتی که فتنه و فساد بر پا شد، در این مورد سؤال کرده و می گفتند از مردمان خود نام برید، اگر اهل حدیث می بودند، حدیث ایشان قبول و اگر از اهل بدعت می بودند، حدیث ایشان مردود دانسته می شد.

۱۱- معالجة مشکلات امت مسلمة:

امروزه بسوی مجتمعات امت مسلمه بنگرید که با انواع و اقسام مشکلات اعم از موضوعات و مسایل عقیدوی،

۱۰- قتل حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه و یا تقویت هر گروه و طائفه بر دلائل کاذبه

اجتماعی، سلوک و رفتار اقتصادی روبرو اند، منکرات و معاصی به اوج خود رسیده و عبادات رو به ترک و زوال شده است.

خطیب حیثیت طیب را در معالجه نمودن این مشکلات دارا بوده، بلکه خطیب باید حریص بر آن باشد که مشکلات مردم را لمس و در حل و فصل آن اقدام بموقع و فوری نماید، اما بهتر است اموری که تعلق به این موضوع دارد مورد اهتمام قرار گیرد:

الف: بر خطیب لازم است که بر اساس ضوابط شرعی منضبط در حل و فصل مشکلات مردم و انکار از عمل ناپسند از فراز منابر مساجد اقدام لازم نماید و از جمله داشتن اخلاص خاص به ذات اقدس الهی عز و جل و رعایت مصالح و رد مفاسد توأم با داشتن علم به آنچه که اراده منع از منکر و اراده امر به معروف را دارد، داشته باشد و معالجه این قضیه باید با حکمت و موعظه حسنه صورت پذیرد.

ب: بر خطیب لازم است که مردم را به اموری متوجه سازد که از توان انجام آن بر آمده بتوانند، خطیب نباید عوام الناس را به آنچه که از توان انجام آن بر آمده نمی توانند توجیه سازد، زیرا کسیکه در مورد یک منکری از منکرات

بحث می کند بدون آن که طریقه خروج و نجات از آن منکر را به مردم بفهماند، در واقع احساسات مردم را برانگیخته و آنان را در دو راهی قرار داده و نمی داند که ایشان در این مورد چه بکنند حتی احياناً بعضی از مردم در قبال تغییر آن عوض انجام دادن اعمال خوب؛ مرتکب انجام اعمال غیر شرعی می شوند.

ج: بر خطیب لازم است که صرف برجانب سلبی یک موضوع ترکیز نکند بلکه احياناً امر به معروف و نهی از منکر بکند زیرا مشکلات اساسی مردم ترک معروف و انجام منکر است، بنا لازم است که از منکر منع و به معروف امر و تشویق کند.

د: بر خطیب لازم است که بر یک قسم مشکل از مشکلات جامعه ترکیز نکند، زیرا در جامعه مشکلات زیاد وجود دارد که بعضی از آنها به حل و فصل ضرورت دارد، احياناً اگر به علاج آن پرداخته شود باعث ایجاد مشکلات گوناگونی می گردد. بناءً خطیب باید روی مشکلات گوناگون صحبت نماید.

ه: جهت ادای نماز جمعه بسیاری از مردم و جماعات از

مناطق مختلف که بعضی از ایشان نیکوکار و بعضی از ایشان بدکار، صالح و فاسق، ضعیف نفس و جاهل اند، حضور بهم می‌رسانند، پس بر خطیب جمعه لازم است هنگامی که از منکرات و معاصی بحث می‌کند بیشتر در مورد اماکن وجود منکرات و روش اهل شر در آن منکرات تمرکز نکنند زیرا این چنین بیان احیانا باعث نتیجه خوب نبوده که خطیب از آن اراده داشت، بلکه خطیب در مورد اضرار و پیامدهای زشت و نافرجام آن توأم با اجتناب جدی از آن صحبت کرده و آن را کافی داند.

و: احیاناً بحث و گفتگو پیرامون یک حادثه و یا یک منکر از منکرات عامه باعث ارتکاب کلاتر از آن می‌شود، مثلاً اگر یک خطیب از یک منکر یا احوال اهل و اعمال آنان بحث و بیان می‌کند در حقیقت می‌تواند که مشکل و معضله را به طریقه حکیمانه علاج نماید، فرضاً یک موضوع مناسب و مانند آن را بیان بکند که مردم حکم درست شرعی آن را در یافت کنند.

مبحث دوم

خطیب و مسؤولیت های آن

الف: صفات خطیب.

ب: مسؤولیت ها و واجبات خطیب.

ج: اشتباهاتی که بعضی خطباء در آن واقع می شوند.

صفات خطیب

خطیب در جامعه از نقش بارز و تأثیر بالغ در میان سامعین برخوردار بوده همانند مربی و معلم و مرد با هیبت و وقار تلقی می گردد، به همین منظور مسئولیت های خطیب بسیار دشوار و بزرگ بوده لازم است که خطیب در این رابطه آمادگی کامل بگیرد توأم با رأی معقول و درست و ارائه نیکو و مؤثر بنابر این برخی از مهمترین صفات خطیب امور ذیل می باشد:

۱- داشتن علم و دانش و فهم کتاب الله، سنت رسول الله اقوال و گفتار سلف صالح و تمسک به آنها توأم با ضبط شواهد از قرآن کریم و احادیث نبوی شریف و حفظ امثال و قصص مناسب.

۲- خطیب از وضعیت و احوال مردم آگاهی داشته توأم با رعایت مقتضیات حال و احوال سامعین با رعایت و در نظر داشت سویه علمی و قوت فهم مخاطبین ایراد

خطبه نماید، زیرا سخن گفتن نزد علما غیر سخن گفتن در نزد غیر علما است و سخن گفتن بر عوام غیر از سخن گفتن بر خواص است.

۳-خطیب باید از استعداد فطری فصاحت زبان و بلاغت منطق برخوردار باشد.

۴-خطیب باید از سلامت عقلی کامل بر خور دار باشد، تا بتواند ملاحظات را در مورد قضایا بشکل درست تفکیک و مقارنه نموده و در روشنایی و شناخت کامل از خواص اشیاء، افکار و حوادث، نتایج لازم را برای شنوندگان ارائه نماید .

۵-خطیب باید شخص مخلص و حریص به گفتار حق و با عمل و دعوتگر بوده در مدح و ذم مردم از حد اعتدال تجاوز نکرده توأم با دوری از استعمال الفاظ زشت و ناپسند و در عوض الفاظ و جملات صریح، الفاظ و جملات کنایه را استعمال نماید، زیرا احیاناً فصاحت بهتری که در الفاظ کنایه وجود دارد در الفاظ و جملات صریح دیده نمی شود.

۶-خطیب جداً از تکبر غرور، توصیف و خود ستایی و اغراض شخصی خودداری نماید.

۷- خطیب دارای تقوی، صلاح و خیرخواهی، استقامت و پایداری، پارسایی و پرهیزگاری و عقیف و پاکدامن بوده و از انجام هر عمل ناجایز در گفتار و کردار خود داری نماید.

۸- خطیب باید دارای یقین کامل، راسخ، آرامش، قناعت پیشه و در سخنی که می گوید متیقن و پا برجا باشد، زیرا سخنی که از قلب بر آید لاجرم بر دل نشیند.

۹- خطیب همواره ملتزم به رفق و نرمی و حکمت بوده و از استعجالیت نتایج و دست آوردها دوری جسته و در دعوت بسوی الله جل جلاله از اسلوب و طریقه احسن و نیکو، کار بگیرد.

۱۰- خطیب در متوجه ساختن سامعین با جرأت بوده توأم با شجاعت و راد مردی و آرامش و اطمینان خاطر.

۱۱- چنان با عزت و با وقار و الگو و پیشوای مردم در داخل مسجد و خارج از آن بوده با توجه به اینکه هرگز قولش مخالف فعلش نبوده باشد.

۱۲- خطیب در آراستن مظهر و هیئت ظاهری خود توأم با رعایت توازن حرکات و سکناات و حتی در بلند و پائین نمودن آواز خود توجه داشته باشد.

مسئولیت ها و واجبات خطیب

۱- بر خطیب لازم است تا تیاری و آمادگی لازم و کامل جهت ایراد خطبه های نماز جمعه، عیدین، استسقاء و طلب باران و امثال آنها و ایراد آن در مسجد مربوطه اش بعد از تأکید دخول وقت توأم با مواظبت دخول وقت هر نماز داشته باشد.

۲- اقدام به نوشتن خطبه، با در نظرداشت دوری از گفتار و انجام کار، بدون آمادگی قبلی در صورت امکان این امر.

۳- اهتمام به علوم شرعی و مطالعه احوال سلف صالح ورزیده، زیرا گفتار بدون علم و تبیین باعث گمراهی و فساد می گردد و مناقشه هر موضوع از فراز منبر مناسب نیست گرچه دارای جایگاه علمی هم باشد.

۴- بر خطیب لازم است که پیرامون وقایع، حوادث و اخبار بعد از تثبیت و تأکید سخن بمیان آرد و برای وی مناسب نیست که هر سخن دروغ و نادرست، شایعات و اخبار را بدون تثبیت و تأکید نشر کند.

۵- بر خطیب است که مصالح عامه را مقدم دانسته زیرا خطبه در مجتمع عامه ارائه می شود و آن مجتمع مصالح عامه و حیاتی را در قبال دارد، بنابر این بر خطیب واجب است که مصالح عامه را مد نظر گیرد و در خطبه خود از استعمال معنی، مفهوم و عبارات که به مصالح عامه ضرر رساند جدا خود داری نماید.

۶- بر خطیب لازم است که از احوال عامه و محیط زیست شناخت و آگاهی کامل داشته باشد در قضایای عامه دارای اثر متقابل بوده و در ایجاد الفت و محبت در میان دل ها، یکپارچگی، وحدت صفوف با در نظر داشت و بیان منهج و برنامه سلف صالح ادای مسئولیت نماید.

۷- بر خطیب لازم است که احیای مجدد امور عامه را سرپرستی کرده فضایل و ارزش های مهمی را مانند امانت، نیکی بروالدین، رعایت صلۀ رحمی و پیوند خویشاوندی، انفاق و خرج کردن در راه خدا، کمک و توجه بر ضعیفان، استقامت و راد مردی، وفا به عهد و پیمان، اطاعت و فرمانبرداری اولوالامر، اخلاص، صداقت و راستی، تعاون و همکاری در انجام امور خیریه، توصیه پند و نصیحت بر صبر و شکیبایی و امر بالمعروف و نهی از منکر و امثال آنها را انجام دهد.

اشتباهاتی که بعضی خطباء در آن واقع می شوند

بعضی اشتباهات است که برخی خطباء در آن واقع شده که باعث خلل و سکتگی در مقاصد و اهداف خطبه وارد می کند، پس برخطیب است که از آن اجتناب ورزد، منجمله:

۱- طولانی ساختن و اطالت خطبه و انتقال از یک موضوع به دیگر و از یک سخن به سخن دیگر که صحبت را غیر متمرکز ساخته و سبب خستگی و ملل سامعین گردیده که در نتیجه تأثیر آن خطبه را ازبین برده و بی معنی و بی مفهوم می گرداند.

۲- خودداری از سخن به لهجه تند و تیز و اتهام به سامعین و بعضی از اشخاص دیگر.

۳- خطیب می بایست از سهو و خطا در گفتار و استعمال لهجه عامیانه و تکلف در ادای کلمات موزون و مسجع، خود داری نماید.

۴- خطیب بایست از سخنرانی در حالات جذباتی و احساساتی و گفتار از تعمق و از خود گفتن جدا خود داری نماید.

۵- خودداری از گفتار در اموری که عام مردم از آن استفاده کرده نمی توانند و یا مورد مصلحت نمی باشد.

۶- خودداری از عجله نمودن در ایراد خطبه که در نتیجه توجه سامعین را از بین برده بعضی عبارات از عبارات دیگر را ناقص و مختل می سازد.

۷- ایراد خطبه در موضوعاتی که در آن علم نداشته و سوییۀ علمی اش پیرامون آن اندک بوده که در نتیجه این چنین اعمال، هیبت و وقار خطیب از بین رفته و بالآخره مردم یعنی سامعین از آن فرار می کنند.

۸- خودداری از ایراد خطبه به سامعینی که سطح علمی آنها از آن پائین تر بوده و یا بحث گفتگو پیرامون مسایل فرعی، اختلافات مذهبی و نظریات فکری و مسائل دقیق که از مستوای آنان بالاتر باشد.

والله الموفق والهادی إلى سواء السبيل
وصلی الله علی محمد وآله وصحبه أجمعین.

۱۳۹۶/۱/۱۵